

بررسی عوامل مؤثر بر هویت اجتماعی شهرهای جدید (مطالعه موردی شهر پردیس تهران)

* رسول ربانی

E-mail: Rarabani@itr.ui.ac

** سمیه کریمی زاده اردکانی

E-mail: skarimizadeh@gmail.com

*** جواد نظری

E-mail: jnazari2@gmail.com

تاریخ پذیرش: ۱۳۸۹/۷/۱۴

تاریخ دریافت: ۱۳۸۸/۱۱/۲۸

چکیده

تراکم جمعیت شهری به همراه صنعتی شدن، انتظارات بالا رفته اشتغال، محیط زیست و نظایر آن، همه مسائلی خاص هستند، اما حل معضل مسکن جایگاه ویژه‌ای دارد. یکی از راهکارهایی که در پاسخ به مسائل بالا فراهم آمده ایجاد شهرهای جدید در اطراف کلان‌شهرها می‌باشد. این شهرها ویژگی‌های متفاوتی را با خود پدید آورده‌اند و شیوه‌های تازه زندگی و ارزش‌های مادی جدید، این نقاط را به مراکز پویایی در جامعه تبدیل نموده است. در این شهرها «ایستایی فرهنگی» را نمی‌توان انتظار داشت. هدف این پژوهش بررسی عوامل مؤثر بر هویت اجتماعی ساکنان شهرهای جدید می‌باشد که مطالعه موردی آن در شهر پردیس تهران انجام شده است. از آنجا که جریان شهرنشینی موجب تغییر ساختارهای اجتماعی و روابط اجتماعی شده و پدیده افزایش جمعیت، بخش مسلم کلان‌شهرها گردیده، جامعه‌شناسان شهری به سیاستگذاری در مورد خط مشی جامعه شهری و روابط انسانی موجود در آن پرداخته‌اند. پژوهش حاضر به روش پیمایشی (Survey study)، در مقطع زمانی ۱۳۸۸ و در شهر جدید پردیس صورت گرفته است. حجم داده‌های مورد نیاز تحقیق از دو طریق پرسشنامه و مراجعه به اسناد جمع‌آوری گردید و حجم نمونه با استفاده از فرمول کوکران ۳۸۴ نفر به دست آمد. پس از استخراج و پردازش داده‌های جمع‌آوری شده و تهیه شاخص‌های آماری مناسب برای متغیرهای مستقل و وابسته تحقیق، دو روش آماری تحلیل رگرسیون و آزمون تحلیل واریانس به کمک نرم‌افزارهای spss و Lisrel مورد استفاده قرار گرفت. نتایج پژوهش نشان داد که میزان هویت اجتماعی شهری بر حسب متغیرهای نوع منزل مسکونی، قومیت و تحصیلات افراد متفاوت است. نتایج تحلیل رگرسیونی هم نشان داد که متغیر خدمات و فعالیت‌های تولیدی بیشترین تأثیر بر میزان هویت اجتماعی شهر جدید پردیس داشته است. در درجه بعد، فضای اجتماعی، فرهنگی و جغرافیایی و بالاخره متغیرهای امنیت عاطفی و روانی شهروندان و وجود راههای ارتباطی به ترتیب بیشترین تأثیر را بر هویت اجتماعی ساکنان داشته‌اند. ضریب تعیین مدل (ضریب عدم تعیین $1 - \text{Psi}$) برابر با $0/28 = 1 - 0/72$ به دست آمد. یعنی ۲۸ درصد از متغیر وابسته یعنی هویت اجتماعی شهر جدید، توسط این مدل تبیین شده است و این نشانگر برازش خوب مدل می‌باشد.

کلیدواژه‌ها: شهرهای جدید، سرریزپذیری جمعیت، هویت شهری، هویت اجتماعی، شهرسازی.

* دانشیار گروه علوم اجتماعی دانشگاه اصفهان

** دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد دهاقان، نویسنده مسئول

*** دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد دهاقان

۱. مقدمه

فرهنگ در شهرهای جدید، شکل تازه‌ای به خود می‌گیرد؛ زیرا در این شهرها خرده فرهنگ‌های مختلف در تعامل و تقابل یکدیگر قرار گرفته و فرهنگی جدید را پدید می‌آورند که بی‌تأثیر از عوامل مسلط در آن جامعه نیست. این فرهنگ پایه و اساس هویت در شهرهای جدید را به وجود می‌آورد.

در شهرهای جدید انسان‌هایی با فرهنگ‌های مختلف سعی در ایجاد یک هویت برای شهر تازه‌تأسیس خود دارند. مسلم است که حتی فرهنگ تک‌تک این افراد در جابجایی که از مبدأ به مقصدشان داشته‌اند، دگرگونی‌هایی یافته است. این یک واقعیت است که تغییرپذیری و جابجایی پدیده‌های فرهنگی در دستگاه‌های شناختی می‌تواند بر اساس موقعیت‌هایی متفاوت به کارکردها و وضعیت‌های متفاوت اجتماعی، فرهنگی، معنایی و یا نهادشناختی دامن بزند.

با توجه به این نکات باید گفت که هویت داشتن یا هویت پیدا کردن یا حتی از دست دادن هویت چه برای گروه‌های اجتماعی و افراد و چه برای اشکال سازمان‌یافته نوینی چون شهرهای جدید را باید در چارچوب فرهنگ مادی و معنوی تحلیل کرد تا بتوان به نتایج کاربردی و قابل اجرا رسید. از آنجا که یکی از اهداف عمده جامعه‌شناسی شهری مطالعه کم‌وکیف رشد شهرهاست، در این مطالعه به بررسی عوامل مؤثر بر هویت اجتماعی در شهرهای جدید پرداخته شده؛ زیرا به نظر می‌رسد که در شهرهای جدید پیوستگی فرهنگی کاهش یافته است. به عنوان نمونه شهرسازی و معماری مدرن جای معماری سنتی را گرفته است، از زمانی که تفاوت و تنوع از ساختار فیزیکی شهرها رخت بر بست، همه ملزم به رعایت مقررات یکسان شدند و اگر ساختمان‌ها و بناها به شکل یکدست و یکنواخت ساخته شوند، کارکرد ساختمان‌ها در حد سرپناه بوده و هویت شهری، نادیده انگاشته می‌شود. نکته دیگر اینکه فرهنگ شهرنشینی در شهرهای جدید می‌بایست در ارتباط با پیشرفت شهرسازی در نظر گرفته شود، زیرا شهرها به سرعت از لحاظ ساختاری توسعه می‌یابند، درحالی‌که جایگاه هر یک از ساکنان آن به‌طور کامل مشخص نیست. بسیاری از افراد هستند که سال‌های زیادی در این شهرها ساکن هستند، اما میزان تعلق خود را به این شهرها نمی‌دانند و به نظر می‌رسد این امر بخاطر حرکت کند فرهنگ شهرنشینی نسبت به فرهنگ شهرسازی است. هدف اصلی این مقاله بررسی عوامل مؤثر بر هویت اجتماعی ساکنان شهرهای جدید می‌باشد. برخی از اهداف جزئی مقاله هم عبارتند از بررسی نگرش‌های فرهنگی

ساکنان این شهرها و بررسی انتظارات مردم از خدمات ارائه شده در شهرهای جدید، که عاملی مهم در هویت بخشی به ساکنان تلقی می شوند و بالاخره بررسی امنیت عاطفی ساکنان این شهرها که تا حدی در ارتباط با هویت آنها می باشد.

باید توجه داشت که شکل گیری هویت، نتیجه تعامل بین هشیاری فردی و ساختارهای اجتماعی است. این تشکل دارای ساختار موزون و هماهنگ اجتماعی است که هر کس در آن نقش هایی ایفا می کند. بنابراین، هویت چیزی نیست مگر انعکاسی از جامعه که فرد هوشیارانه در نظامی از ارزش ها می پذیرد و در موقعیت های مختلف استفاده می کند (ربانی و کجیاف، ۱۳۸۶: ۳۵). اما هویت اجتماعی هویتی است که به افراد نسبت داده می شود تا در فضای اجتماعی قرار گیرند. بنابراین، بر مبنای خصوصیات اجتماعی و فرهنگی، هویت اجتماعی اساس کنش های اجتماعی می شوند، جهت گیری افراد نسبت به دیگران به مثابه «موضوع» اجتماعی را شکل می دهد و افراد خود را به عنوان «عامل» در تعامل و تقابل با دیگران می شناسند و ابراز می دارند؛ در نتیجه هویت اجتماعی افراد به تدریج شکل می گیرد و در جریان زندگی و در اثر انتخاب ها، تعهدات و تعلقات نسبت به احزاب سیاسی و غیره به شکل گیری بینش ها و دیدگاه های جدید منجر می شود. بنابراین فرایند «شکل گیری اجتماعی» نشان می دهد که می توان از یک هویت به هویت دیگر انتقال یافت و نسبت به آن احساس تعلق داشت (ربانی و کجیاف، ۱۳۸۶: ۴۹ و ۵۰).

هویت هر شهر از جنبه های مختلف ملی، فرهنگی، اقتصادی و تاریخی قابل مطالعه است. هویت هر شهر از هویت شهروندان جدانیست و شهر مخصوص به هر شهروندی، هویت تازه ای به او می دهد. در شهرهای جدید، متأسفانه به دلیل آنکه یک ویژگی خاص هویتی و منحصر به فرد وجود ندارد، کمتر انگیزه غرور آمیزی برای شهروندان وجود دارد و لذا افتخاری برای ساکنان ایجاد نمی کند که خود را وابسته به آن بدانند. در این مقاله این پرسش مطرح شده است که هویت شهری چیست و بر اساس چه مؤلفه هایی می توان آن را از بی هویتی تشخیص داد؟ شکل بروز بحران های هویتی در شهرها چگونه است و شهرهای جدید در چه وضعیتی قرار دارند؟

در بیان مسئله پژوهش لازم است این مطلب ذکر شود که چرا هویت شهری لازم است و چرا بی هویتی، یک پدیده منفی است. هویت شهری و احساس تعلق داشتن به شهر، سبب ایجاد حس وفاداری به شهر و تلاش بیشتر برای ساختن و سرمایه گذاری های دراز مدت مادی و معنوی در شهر می شود. نباید گمان کرد که دنیای آینده دنیایی خواهیم بود که رابطه سرزمینی انسان ها به فراموشی سپرده می شود. البته

انقلاب اطلاعاتی و دنیای دهکده‌ای امروز در سال‌های آینده این رابطه را برای انسان‌ها کم‌رنگ‌تر خواهد کرد، اما شهرهای جدید امروز، نیازمند هویت فرهنگی می‌باشند. فقدان هویت شهری لازم و عدم بینش صحیح اجتماعی، از عمده مشکلاتی است که در شهرهای جدید دیده می‌شود. در این شهرها اغلب افراد هویت خود را بر باد رفته می‌دانند و خود را متعلق به آن شهر نمی‌دانند؛ هر چند سال‌های زیادی در آن سکونت داشته باشند. شاید این امر به خاطر عدم برنامه‌ریزی و مطالعه جامعه‌شناختی در هنگام طراحی و ساخت بنیان‌های اجتماعی و فرهنگی شهرهاست (جهانبخش هرندی، ۱۳۸۴: ۳۷). مهم‌ترین فرضیات مقاله حاضر به شرح ذیل می‌باشند:

۱. به نظر می‌رسد بین هویت اجتماعی شهر پردیس و وجود خدمات یا فعالیت‌های تولیدی رابطه وجود دارد (نظریه شهرک‌های اقماری هوارد).
۲. به نظر می‌رسد بین هویت اجتماعی شهر پردیس و فضای اجتماعی، فرهنگی و جغرافیایی رابطه وجود دارد (نظریه استروئسکی).
۳. به نظر می‌رسد بین هویت اجتماعی شهر پردیس و راه‌های ارتباطی آن (مترو، بزرگراه و...) با شهر مادر رابطه وجود دارد (نظریه کوین لینچ).
۴. به نظر می‌رسد میان هویت اجتماعی شهر پردیس و امنیت عاطفی و روانی شهروندان رابطه وجود دارد (نظریه زیمل).

۲. روش پژوهش

مقاله حاضر به روش پیمایشی^۱، در مقطع زمانی ۱۳۸۸ و در شهر پردیس صورت گرفته است. این شهر مشتمل بر ۹ فاز (۶ فاز مسکونی و ۳ فاز تحقیقاتی، صنعتی و تفریحی) می‌باشد. شهر پردیس با وسعتی برابر با ۳۸۰۰ هکتار در ۲۵ کیلومتری شرق تهران واقع شده و بر اساس آمارگیری عمومی نفوس مسکن در سال ۱۳۸۵، دارای ۵۰۰۰۰ نفر جمعیت بوده است (مرکز آمار ایران). جامعه آماری پژوهش، تمامی ساکنان شهر جدید پردیس بود. نمونه انتخابی به روش نمونه‌گیری طبقه‌ای چندمرحله‌ای، با حجمی معادل ۳۸۴ نفر و از طریق فرمول کوکران تعیین شد.

۱-۲. روش گردآوری اطلاعات

داده‌های مورد نیاز پژوهش از دو روش پرسشنامه و مراجعه به اسناد جمع‌آوری گردید و طراحی پرسشنامه بر اساس مبانی نظری صورت گرفت. به منظور اطمینان از اعتبار^۲،

1. Survey study

2. validity

پرسشنامه طراحی شده قبل از تکمیل، بر اساس نظرات چند تن از اساتید صاحب نظر دانشگاه اصلاح گردید و برای حصول پایانی^۱ نیز با انجام پیش‌آزمون و تکمیل آن در نمونه‌ای مقدماتی به حجم ۳۰ نفر و با انجام آزمون آلفای کرونباخ به اصلاح نهایی گویه‌ها اقدام گردید.

۲-۲. متغیرهای پژوهش، گویه‌های مربوطه و نحوه شاخص‌سازی

متغیر وابسته پژوهش، هویت اجتماعی شهر جدید و متغیرهای مستقل پژوهش نیز شامل تحصیلات، نوع منزل، خدمات و فعالیت‌های تولیدی، فضای اجتماعی، فرهنگی، جغرافیایی، راه‌های ارتباطی و امنیت عاطفی و روانی شهروندان می‌باشند که گزینش این متغیرها و انتخاب گویه‌های مربوطه برای سنجش آنها بر اساس مبانی نظری، بررسی منابع موجود و مطالعات انجام شده صورت گرفته است. قبل از گویه‌سازی برای متغیرها، شاخص‌های هر کدام مورد توجه قرار گرفته است. متغیر وابسته پژوهش یعنی هویت اجتماعی شهر جدید ترکیبی از شاخص‌های مختلف است. جدول شماره (۱) هر کدام از متغیرها را پس از انجام پیش‌آزمون اجرای آزمون آلفای کرونباخ نشان می‌دهد.

جدول شماره ۱: متغیرهای پژوهش و نتایج آزمون آلفای کرونباخ برای آنها

متغیر وابسته: هویت اجتماعی شهری (0/91 $\hat{\alpha}$) = تعداد گویه‌ها: ۱۹
متغیرهای مستقل
خدمات و فعالیت‌های تولیدی: (0/8۱ $\hat{\alpha}$) = تعداد گویه‌ها: ۱۲
فضای اجتماعی، فرهنگی و جغرافیایی: (0/۸۲ $\hat{\alpha}$) = تعداد گویه‌ها: ۱۲
راه‌های ارتباطی: (0/۷۶ $\hat{\alpha}$) = تعداد گویه‌ها: ۳
امنیت عاطفی و روانی شهروندان: (0/۷۶ $\hat{\alpha}$) = تعداد گویه‌ها: ۶

به منظور پردازش داده‌ها و تهیه شاخص‌های مناسب برای اجرای مدل‌های آماری مورد نظر، برای هر کدام از متغیرهای مستقل فوق «شاخصی ترکیبی» محاسبه شد. بدین منظور پس از یک‌دست کردن گویه‌ها، گویه‌های مربوط به هر متغیر وارد مدل آماری «تجزیه به مؤلفه‌های اصلی»^۲ شده و عناصر مربوط به بردار ویژه متناظر با بزرگ‌ترین مقدار ویژه ماتریس، هم‌بستگی درونی آنها به عنوان ضرائب وزنی گویه‌ها استخراج گردید. با ضرب نمودن هر گویه در ضریب وزنی مربوطه و سپس جمع گویه‌های

1. Reliability

2. PCA

موزون، شاخص ترکیبی^۱ مورد نظر به دست آمد. به این ترتیب داده‌های مورد نیاز برای اجرای مدل‌های مورد نیاز آماری، در مقیاسی فاصله‌ای - نسبی به دست آمدند. به‌طور کلی عملیات مربوط به این مرحله - که در هر مطالعه‌ای بعد از مرحله جمع‌آوری داده‌ها^۲ و قبل از مرحله تجزیه و تحلیل داده‌ها^۳ انجام می‌شود - علاوه بر خلاصه‌سازی اولیه و تهیه شاخص‌های کمی معنادار و قابل مقایسه، با ارتقاء مقیاس داده‌ها از رتبه‌ای به فاصله‌ای - نسبی، باعث افزایش و ارتقاء کیفیت داده‌ها^۴ شده و به این ترتیب امکان بهره‌گیری از تمامی روش‌های پارامتری پیشرفته آماری را برای تجزیه و تحلیل آنها فراهم می‌نماید.

۳. بررسی مفهوم هویت

«هویت»، یکی از مهم‌ترین مسائل و چالش‌های پیش روی جوامع در حال توسعه بوده و تعاریف متعددی از این واژه به عمل آمده است. در فرهنگ لغت دهخدا، واژه هویت این‌گونه تعریف شده است: «حقیقت شیء یا شخص که مشتمل بر صفات جوهری او باشد، شخصیت، ذات، هستی و وجود، منسوب به‌هو، شناسنامه، چیستی، خود، کیستی، همانی و همانستی» (فرهنگ دهخدا)؛ اما یک طبق تعریف متداول، «هویت، احساس تعلق خاطر به مجموعه‌ای مادی و معنوی است که عناصر آن از قبل شکل گرفته‌اند». هویت در انسان‌شناسی، به معنای نوعی از خودآگاهی فردی یا جمعی نسبت به وجود مجموعه‌ای از خصوصیات فرهنگی - اجتماعی است که فرد یا گروه مزبور را از فرد، افراد یا گروه‌های «دیگر» که به مثابه هویت‌های «دیگری» طبقه‌بندی می‌شوند، متمایز می‌کند و اغلب خود را با یک نام و یا لاقبل با ضمیر «ما» مشخص می‌کند.

درخصوص واژه لاتین هویت گفته‌اند که از قرن چهاردهم در زبان‌های اروپایی identity به معنی identities رایج شده و ریشه آن به دو واژه لاتین Identitas به معنی «همان» و معادل idem «خصوصیت چیزی همانند» می‌رسد. هویت به معنای احساس تعلق و این همانی با محیط در نظر گرفته شده و معیارهایی چون احساس امنیت، خاطره‌انگیزی، حس تعلق و وابستگی به منظور ارزیابی هویت تدوین شده و به کار رفته‌اند (دانش‌پور، ۱۳۷۹: ۲۵).

هویت ما نه در گرو میراث گذشته و نه در گرو میراث دیگران - به عنوان دیگری - بلکه در گرو حقیقت‌طلبی و روش اصیل ما خواهد بود. با این توصیف بدیهی است که

1. CI: Composed Index
2. data gathering

3. data analysis
4. data quality

در شرایط مکانی و زمانی مختلف، زمینه‌های متفاوتی برای هویت منظور گردد که هرکدام نیز دارای تعاریف و ابعاد خاصی نظیر هویت شخصی، هویت اجتماعی و هویت شهری باشند (علیخانی، ۱۳۸۵: ۱۶).

فرد با حضور و رشد یافتن در جمع، علاوه بر آنکه دارای هویت شخصی یعنی نام، منزلت اجتماعی و روابط مشخص با دیگران می‌گردد، با گرفتن عناصر مشترکی که فرهنگ خوانده می‌شود هویت جمعی می‌یابد و با مجموعه این مسائل دارای تاریخ مشترک می‌شود (پاکزاد، ۱۳۷۵: ۱۰۲) آنچه اثری را در نگاه عموم با هویت یا بی‌هویت جلوه می‌دهد، تعلق یا عدم تعلق آن به هویت جمعی و پایدار است. در این نگاه، اثر با هویت، اثری است که هویت آن در راستای هویت جمعی باشد؛ هم‌چون یک بنای تاریخی در یک بافت تاریخی و اثر بی‌هویت اثری است که هویت آن در تعارض با هویت جمعی باشد، مانند یک بنای مدرن در یک بافت تاریخی (حجت، ۱۳۸۴: ۵۶).

اهمیت هویت جمعی تا آنجا است که اگر فرد در اجتماعی قرار گیرد که نتواند خود را جزئی از آن به حساب آورد، قادر به تثبیت هویت شخصی خود نیست. یکی از دلایل احساس رها شدگی و مطرود بودن مهاجران در جامعه‌ای که به آن وارد می‌شوند، انقطاع میان هویت شخصی آنها و هویت جمعی و اجتماع است؛ زیرا هویت معین و منسجم در چارچوبی خاص قرار می‌گیرد که دارای محدودیت‌های مشخص است و این محدودیت‌ها تا حد زیادی توسط اجتماع تعریف می‌شود، زیرا به اعتقاد یورگن هابرماس انسجام و یکپارچگی یک فرد از طریق رابطه او با افراد دیگر شکل می‌گیرد (قره‌باغی، ۱۳۷۹: ۲۷ و ۳۴).

از آنجا که «هویت»، مجموعه‌ای از صفات و مشخصاتی است که باعث «تشخص» یک فرد یا اجتماع از افراد و جوامع دیگر می‌گردد؛ شهر نیز به تبعیت از این معیار، شخصیت یافته و مستقل می‌گردد. هویت در شهر به واسطه ایجاد و تداعی «خاطرات عمومی» در شهروندان، تعلق خاطر و وابستگی را نزد آنان فراهم کرده و شهروندان را به سوی «شهروند شدن» که گستره‌ای فعال‌تر از ساکن شدن صرف دارد، هدایت می‌کند. بنابراین، هرچند که هویت شهر، خود معلول فرهنگ شهروندان آن است؛ لیکن فرآیند شهروندسازی را تحت تأثیر قرار داده و می‌تواند باعث تدوین معیارهای مرتبط با مشارکت و قضاوت نزد ناظران و ساکنان گردد. هویت یک معیار رشد برای شهر است؛ به عبارت دیگر وقتی یک شهر یا جامعه رشد می‌کند، بخشی از ویژگی‌های هویتی آن در جریان رشد تغییر کرده و ساماندهی جدیدی می‌یابد. در چنین ساختاری

باید هویت شهری به‌عنوان یک معیار برای توسعه و عاملی برای ارتقای کیفیت محیط مطرح شود تا بتواند زمینه‌های مشارکت و امنیت افراد را فراهم کند.

هویت شهری یک هویت جمعی است. همین جا برای گریز از بی‌مفهومی تلاش می‌کنیم آن را روشن‌تر کنیم. اصولاً ما می‌توانیم طیفی از هویت‌های انسانی را برشمریم. این هویت‌ها از هویت فردی و جنسیت و سن که با تولد شکل می‌گیرد، تا هویت خانوادگی در قالب خانواده هسته‌ای و گسترده، قالب‌های خویشاوندی مثل طایفه و... را دربرمی‌گیرد؛ البته این هویت‌ها با قالب‌های ذهنی و اسطوره‌ای و عناصر ذهنی و باورها در یک جغرافیای مشترک به هویت قومی و جماعتی می‌رسد.

هویت شهری را می‌توان از سه بُعد تاریخی، جغرافیایی و کارکردی مورد بررسی قرار داد. بُعد تاریخی، پیشینه یک شهر را شامل می‌شود، هم‌چون کارنامه‌ای که به شکل مکتوب یا به شکل شفاهی در نزد ساکنان آن و در نزد دیگران ثبت شده باشد و از آن تصویری مطلوب یا نامطلوب می‌سازد و سیاستگذاران هر شهری باید تصویر مطلوب را حفظ یا تقویت کرده و تصویر نامطلوب را تضعیف نمایند (فکوهی، ۱۳۸۷: ۲). بُعد جغرافیایی شهر، به موقعیت جغرافیایی - اقلیمی آن مربوط می‌شود که خود از عوامل مهم هویت‌بخش به حساب می‌آید، مثل شهرهای سنتی و قدیمی ما که همواره دارای مشخصات طبیعی بوده‌اند و مقایسه شهرهای جنوب و یا شمال و اختلاف دمای آنها، سبب ایجاد هویت‌های متفاوتی شده که بر روابط شهری تأثیرگذار است.

بُعد کارکردی که دربرگیرنده کارکردهای مختلف سیاسی، جهانگردی، زیارتی، تجاری، صنعتی و... است، هویت‌های گوناگونی برای شهر ایجاد کرده است. البته کارکردهای شهر شکل خالص ندارند و با هم ترکیب می‌شوند. بنابراین، در هر شهری ما با گروهی از کارکردها سروکار داریم که بنا به مورد، دوره، مناسبت، زمان و مکان خاص و ارتباطاتی که ایجاد می‌شود و یا ما قصد ایجاد آنها داریم اهمیت بیشتر می‌یابند یا از اهمیت آنها کاسته می‌شود (فکوهی، ۱۳۸۷: ۲) بنابراین، شهر محلی است که تعاملات شهری در آن به وقوع می‌پیوندد و ساکنان احساس تعلق شهروندی نسبت به شهر خود دارند؛ به عبارت دیگر آنچه که یک شهر را می‌سازد، ساختمان‌های عظیم و پارک‌ها نیستند، بلکه ساکنان شهر با سلیقه‌ها و ویژگی‌های منحصر به فرد خود و در حقیقت هویت شهری و شهروندی آنها می‌باشد.

۴. اهمیت مطالعاتی و پیشینه آن

اهمیت مطالعاتی کار همان‌طور که در بخش مقدمه ذکر شد، به تجربه اندکی برمی‌گردد که ما در ساخت شهرهای جدید داریم؛ زیرا این امر با تقلید کورکورانه و بدون برنامه‌ریزی هدفمند و طولانی‌مدت صورت گرفته است.

این مقاله با رویکردی دیگر سعی بر آن دارد تا ضمن معرفی عوامل تأثیرگذار بر هویت اجتماعی در شهرهای جدید، به بررسی نقاط منفی و مثبت مؤثر بر هویت اجتماعی پرداخته و از این رهیافت پیشنهادهایی جامعه‌شناختی به سیاستگذاران شهری ارائه نماید، تا در شهرهای جدید شاهد نسلی بی‌تعلق به سرزمین تازه تولد یافته‌شان، نباشیم. درخصوص ادبیات تحقیق نیز لازم به گفتن است که چند اثر به نگاهی درآمده‌اند؛ از جمله جان واکر - عضو سابق کمیسیون شهرهای جدید - در مقاله‌ای از با عنوان «امکان و توان آینده شهرهای جدید شمال غرب اروپا» به ارزش‌های حفظ شده در این شهرها پرداخته و بیان می‌دارد که این شهرها ابزار برنامه‌ریزی برای آینده هستند. مقاله‌ای با عنوان «شهرهای جدید و چالش‌های پیش‌رو (مطالعه موردی فولاد شهر)» از فرهاد آتش و شیرازی در مجله Habitatatim منتشر شده است.

دو مقاله هم در سال ۱۳۷۲ در همایش بین‌المللی توسعه شهری و شهرهای جدید ارائه شد که با موضوع مقاله مرتبط می‌باشند. یکی با عنوان «توسعه‌های جدید شهری و شهرهای جدید (هویتی جدید یا فقدان هویت)» که ناصر براتی آن را ارائه نمود و دوم، مقاله «عوامل سازمان‌دهنده هویت شهری و تطبیق آن بر شهرهای جدید» بود که فیروز جناب و کوروش جواد شهیدی آن را ارائه نمودند.

۵. معرفی شهر جدید پردیس (۱)

شهر جدید پردیس در بخش مرکزی تهران از شهرستان تهران واقع شده است. این شهر در فاصله ۲۵ کیلومتری شرق پایتخت و هم‌جوار با شهر بومهن می‌باشد. محدوده آن حدود ۲۸۰۰ هکتار و ارتفاع متوسط آن از سطح آب‌های آزاد جهان حدود ۱۸۰۰ متر می‌باشد. محدوده راهبردی و بستر شهر جدید پردیس، به‌ویژه صنایع مستقر در آن و مطالعه توان‌های بالقوه اقتصادی و امکانات بالقوه، بهره‌برداری از شرایط موجود برای توسعه فعالیت‌های تفریحی، تفرجگاهی و خدماتی برای ناحیه شرق تهران از نظر ایجاد و احداث یک شهر جدید دویست هزار نفری با پنجاه هزار شغل متناسب با اهداف شهر به‌عمل آمده است. شهر جدید پردیس با قابلیت‌های گردشگری - توریستی و

سیاحتی و هم‌چنین نزدیکی به مناطق معتدل کوهستانی و آب و هوایی با چشمه‌سارهای جاری، در چهارفصل سال چشم‌انداز زیبایی را به وجود آورده است؛ مهم‌ترین مناطق دیدنی نزدیک به شهر پردیس، آبشار کمرد، منطقه جوزک، منطقه واصفجان، پیست آبعلی، سد لار، دریاچه تار، و بسیاری از مکان‌های دیگر دیدنی و تاریخی که در نزدیکی منطقه دماوند قرار دارد، می‌توانند اوقات فراغت سالم و به یاد ماندنی در ذهن گردشگران و مسافران داشته باشند.

این شهر دارای پنج فاز مسکونی بوده و امکاناتی هم‌چون مراکز متعدد تجاری، آتش‌نشانی، اورژانس، پلیس انتظامی و راهنمایی هم‌اکنون در این شهر مشغول فعالیت هستند و پارک فناوری پردیس به عنوان مهم‌ترین پارک فناوری ایران در مجاورت این شهر، در حال ساخت است. این پارک فناوری در فاز اول، ۲۰ هکتار بوده و افق توسعه آن تا ۱۰۰۰ هکتار دیده شده است.

شهر پردیس در ابتدا از مشکل تأمین آب رنج می‌برد که با اجرای خط لوله تا سد لیان، بخشی از این مشکل مرتفع گردید؛ لیکن در حال حاضر هم عمده آب این شهر از طریق چاه تأمین می‌شود (سایت شهرداری پردیس).

۶. چارچوب نظری

قبل از ورود به مباحث نظری، باید اشاره کرد که شهرها معمولاً با وجود سکنه ویژگی‌های مختلفی پیدا می‌کنند. سؤال این است که سکنه چه ویژگی‌هایی دارند؟ ما چه چیزی را از تنوع شهری متوجه می‌شویم؟ چه چیزی در شهرهای جدید ارزش محسوب می‌شود؟ و حتی افرادی از قبیل ارسطو، روسو، زیمل، جفرسون، آدامز، یانگ سؤالات متعددی در مورد شهر مطرح کرده‌اند که زیربنای هویت شهری است (میگر، ۲۰۰۷: ۲۵۹).

مبانی مهم شهرهای جدید، خودکفایی، استقلال، تعادل جمعیت و اشتغال است. به‌طور کلی می‌توان یادآور شد که منشأ شهرهای جدید به دیدگاه‌های هوارد در خصوص خودکفایی و استقلال شهرهای جدید از طریق ایجاد تعادل در زمینه اشتغال — جمعیت بر می‌گردد (ربانی، ۱۳۸۷: ۱۸۰). این نظریه نقطه عطفی در شهرسازی معاصر و در اصل تقدم شهرسازی بر شهرنشینی محسوب شد. بعد از این نظریه، در بستر تحولات فکری و اجتماعی قرن بیستم، نظریه شهرک‌های اقماری، حومه‌های شهری واحد همسایگی و بالاخره شهرهای جدید پا به عرصه وجود گذاشت و دو نظریه اصلاح‌گرایان و آرمان‌گرایان به وجود آمد. اصلاح‌گرایان به نوسازی و بهسازی شهرها از

درون بافت آنها معتقد بودند و آرمان‌گرایان معتقد به شهرهای آرمانی یا به قولی شهرهای جدید در مقابل گزینه شهرهای صنعتی بودند؛ اما هاورارد بر ساماندهی فضایی شهرهای بزرگ، پخش صنعت و جمعیت، ارائه مسکن، اسکان شاغلان به‌خصوص در بخش صنعت، حد متناسب جمعیت و مساحت، اشتغال و خودکفایی تأکید داشته است. در واقع نظریه او شامل پیوند شهر و روستا بود (پاپلی و رجبی، ۱۳۸۲: ۱۶۱).

در نظریه شهرک‌های اقماری و شهرهای جدید، که مبتکر آن هاورارد است، معمولاً فعالیت‌های اصلی اقتصادی و تجاری در هسته مرکزی و داخل شهر انجام می‌شود و قسمتی از جمعیت در نواحی پیرامون و حومه شهر اسکان می‌یابند؛ از طرف دیگر این طرح می‌تواند به منظور کاهش راه‌بندان و آمد و شد و کاهش آلودگی‌های محیطی، قسمتی از فعالیت‌های شهری را به همراه بخشی از جمعیت به‌صورت اقماری در حومه شهر اصلی قرار دهد. به بیان دیگر، شهر به جای تمرکز در یک نقطه، قسمتی از وظایف، عملکرد و روال امور زندگی خود را در محیط پیرامون مستقر سازد (پاپلی و رجبی، ۱۳۸۲: ۱۶۹).

هر شهر اقماری، خود دارای یک مرکز خدمات و فعالیت‌های تولیدی خواهد بود و سفرهای درونی آن نیز در داخل آن انجام می‌پذیرد. اندازه بهینه جمعیت این شهرها بین ۲۵۰۰۰ تا ۲۵۰۰۰۰ نفر فرض شده است، هرچند که پس از ساخت شهر حدود مرز جمعیت از این ابعاد فراتر می‌رود و شهرهای جدید اقماری اغلب در انگلستان و فرانسه و روسیه پایه‌گذاری شدند (اذانی و نیلی، ۱۳۸۸: ۳۵).

در ایران در جوار مادر شهرها، مجتمع‌های بزرگ با هدف سامان‌دهی فضایی و تراکم‌زدایی از مادر شهر در قالب شهرهای جدید پیوسته پدید آمدند و به مدل غیر متمرکز معروف شدند. تلاش شد که در این مدل برنامه‌ریزی به گونه‌ای باشد که بیشترین رشد در نواحی گسسته از کلان شهر صورت گیرد (داودپور، ۱۳۸۴: ۶۶).

شهرهای جدید کارکردهای گوناگونی دارند، مظهر نظم هستند و به‌طور قابل ملاحظه‌ای به تمرکززدایی از شهرهای بزرگ کمک می‌کنند. این شهرها مکان جدید فرهنگ‌های مختلف بوده، می‌بایستی برای شهروندان خود ایجاد هویت کنند و برای دیگران نماد هویت جغرافیایی، انسجام محلی در یک نظام منطقه‌ای، و هویت فرهنگی و اجتماعی محسوب شوند.

در مورد شهرهای جدید سه دیدگاه از نظر محققان این پژوهش مطرح است: دیدگاه سیستمی و چند بعدی فعالیت‌های صنعتی و برنامه‌ریزی مناسب. (منظور از این دیدگاه پیشرفت‌های صنعتی و برنامه‌ریزی‌های شهری می‌باشد)

توجه به ابعاد و ویژگی‌های جامعه مصرفی. (منظور خدماتی است که جامعه شهرهای جدید به آنها نیاز دارد)
از دیدگاه نیازهای جامعه به اوقات فراغت. (منظور اوقات فراغت افراد در شهرهای جدید می‌باشد).

اشاره می‌شود که فضا یک منبع هویت است و گروه‌هایی را که در آن قرار می‌گیرند، هویت می‌بخشد. لذا فضا از لحاظ جغرافیایی و از نظر شبکه‌های ارتباطی عاملی ضروری محسوب می‌شود زیرا فضا با جامعه ارتباط دارد. جامعه در دوره‌ای به علت نیازهای انسانی، فضای خاصی را اشغال می‌کند و جاهای بکر و دست‌نخورده را تحت استیلاي خود قرار می‌دهد. پس در راستای مباحث نظری و عملی می‌توان به بُعد نهادی و اجتماعی فضا اشاره کرد. استروترسکی در خصوص جنبه‌های مختلف فضا اشاره دارد که فضا تولیدی اجتماعی بر طبق دستورالعمل‌ها و الزامات تاریخی است. فضا دارای مفهومی اجتماعی و فرهنگی است و نمایانگر دستاوردهای اجتماعی یک جامعه با علّیت‌های کارکردی می‌باشد.

شهر بخشی از فضایی است که یک گروه اجتماعی در آن به تعامل اجتماعی می‌پردازد. بنابراین، شهر صرفاً یک فضا نیست، بلکه مجموعه پیچیده‌ای از نیروهای تولیدی، اشکال منطقه‌ای و شکل‌گیری اجتماعی است. بنابراین، وظیفه سیاستگذاری شهری شکل دادن به فضا به صورت مادی و معنوی است.

به نظر کمبارت دولو^۱ که اولین تحقیقات را در زمینه نقشه‌های ذهنی برنامه‌ریزان داشت، بیان کرد فضا توانایی لازم را دارد که در سطح اجتماعی - اقتصادی به صورت وسیع گسترش یابد و شکل، مکان کار و اشتغال را برای همگان مشخص سازد. پس فضا با نگرش ریخت‌شناسی شهری از دیدگاه‌های مختلف شهروندان قابل مطالعه است. در واقع، فضا پدیده‌ای قابل برنامه‌ریزی و مدیریت می‌باشد که در مکان شکل می‌گیرد و هویت می‌یابد. هویت، نیاز، شبکه ارتباطی، محتوای اجتماعی، جنبه‌های تاریخی همه در بردارنده جنبه‌های مختلف مفهوم فضا می‌باشد که در سطح وسیع مورد مطالعه قرار می‌گیرد (ربانی، ۱۳۸۷: ۳۷، ۴۳-۴۰ و ۱۸۲).

در این مباحث از مبحث «وجدان جمعی» و «تقسیم کار» دور کیم استفاده شده است. بر این اساس، از آنجا که تقسیم کار یک قانون طبیعی و قاعده اخلاقی است،

1. Cohmbart Delauwe

انسان برای مبارزه با طبیعت به استعدادها و نیروهای بیشتر و متمرکزتری نیاز دارد و هر قدر انسان خود را وقف وظیفه‌اش کند در مسیر کمال انسانی گام برداشته است. هم‌چنین توزیع مداوم کارهای مختلف، هم‌بستگی اجتماعی را قوام می‌بخشد، زیرا از طریق تقسیم کار تعداد در روابط میان اعضا افزایش یافته و هم‌بستگی بیشتری حاصل می‌گردد (تنهایی، ۱۳۸۳: ۱۳۵).

از طرفی جامعه بر حسب قانون کارکردی با پیدایش نیاز شکل می‌گیرد. بر طبق این دیدگاه جامعه زمانی تعین و تظاهر پیدا می‌کند و سپس به طرف تکامل یافتن حرکت می‌کند که «نیازهای جمعی^۱» وجود داشته باشد. این نیازهای مشترک به اهداف مشترکی نیاز دارد و این اهداف به باورهای جمعی بر می‌گردد. در این صورت جامعه نیازمند قراردادهای جمعی می‌شود و وقتی قراردادهای جمعی شکل گرفت، آگاهی جمعی جزئی مسلط خواهد شد. کارکرد آگاهی جمعی تقویت نیازهای جمعی است و همین‌طور این تسلسل ادامه دارد.

بنابراین دورکیم نقش شهر را کمک به شکستن اخلاقیات سنتی و تسریع رشد تقسیم کار اجتماعی می‌دانست، وظیفه‌ای که با ایجاد صنایع بزرگ ضرورت یافته است. باید توجه کرد که وجود وجدان جمعی کمک به انسجام هر شهر کمک نموده و تحولات آن را تسریع خواهد کرد.

موضوع «مشارکت» ماکس وبر در شهرها نیز در این مبحث جای دارد. نکته بسیار مهمی که در نظریات ماکس وبر وجود دارد، تأکید بر توسعه و مشارکت شهری به‌عنوان یکی از ابزارهای کلیدی در تشکیل شهر است؛ تا جایی که اخیراً مشارکت شهری در فرهنگ جدید توسعه جایگاه خاصی یافته و یکی از ویژگی‌های جوامع مدرن محسوب می‌شود (پاپلی و رجبی، ۱۳۸۲: ۲۹۵).

در ضمن از نظریه «بوم‌شناسی انسان» در مکتب شیکاگو می‌توان نام برد. این مکتب فضای شهری را مجموعه پیچیده بوم‌شناختی در نظر گرفته و نشان می‌دهد که ستیز نهادی شده در فضای شهری چگونه به انواع فضا جان می‌بخشد. و در این دیدگاه برای تحلیل سکونت‌گاه‌های نامتعارف و تحلیل فضای شهری باید به چهار متغیر اندازه و ویژگی‌های جمعیت، سازمان اجتماعی، محیط طبیعی و بالاخره فناوری یا سطح پیشرفته فناوری رجوع کرد و با ارزیابی این متغیرها دلایل مستتر در پس ناهمگونی‌های مکانی

1. collective needs

چه در درون هر شهر، چه در فضای ملی و چه در سطح بین‌المللی استنتاج کرد (پاپلی و رجبی، ۱۳۸۲: ۲۹۵).

رابرت پارک معتقد بود که ساختار شهر در طبیعت انسان است و آن را نمایش می‌دهد. وی جمع انسان‌ها را به اجتماع و جامعه^۱ تقسیم می‌کرد. اولی را بازتاب سطح زیستی و دومی را سطح فرهنگی انسان‌ها می‌دانست و ساختار فضایی شهر را براینست طبیعت انسان یا سطح زیستی تصور می‌کرد. نویسندگان این مکتب به ویژه رابرت پارک، برجیس و لوئیس ورث مفاهیمی پدید آوردند که برای سال‌های بسیار شالوده اصلی نظریه و پژوهش در جامعه‌شناسی شهری بود، بوم‌شناختی یکی از این رویکردهاست. پیروان مکتب شیکاگو معتقد بودند که استقرار سکونتگاه‌های بزرگ شهری و توزیع انواع مختلف محلات در داخل آنها می‌تواند بر پایه اصول مشابهی درک شود (گیدنز، ۱۳۷۶: ۶۰۶).

الگوهای مکان‌یابی حرکت و مکان‌یابی مجدد در شهرها، بر طبق دیدگاه بوم‌شناختی، شکل مشابهی دارند. محله‌های مختلف در جریان تلاش ساکنان آنها در سازگار کردن خود با شرایط متغیر در امر تأمین معاش به وجود می‌آید. یک شهر را می‌توان به صورت نقشه مناطقی با ویژگی‌های مشخص و متفاوت اجتماعی تصور کرد. شکل‌گیری قاعده‌مند شهرها را می‌توان به صورت حلقه‌های متحدالمرکزی در نظر گرفت که به قطعاتی تقسیم شده‌اند. در مرکز، نواحی درون شهر قرار دارند. آمیزه‌ای از رونق ساختمان‌های بزرگ تجاری و خانه‌های مشخص قدیمی و در حال ویرانی. فراتر از این نواحی، محله‌های قدیمی‌تر قرار دارند که محل سکونت کارگران طبقه پایین و دارای مشاغل ثابت است و سرانجام حومه‌ها که گروه پردرآمد در آن زندگی می‌کند (پاپلی و رجبی، ۱۳۸۲: ۶۰۷) این دیدگاه توسعه شهری را به عنوان یک فرایند طبیعی در نظر می‌گیرد. نظریه مراکز شهری پویا و زنده که از جین جیکوبز می‌باشد، در این راستا قرار می‌گیرد. جین جیکوبز از اندیشمندان صاحب نام مسائل شهری، اعتقاد دارد که تمرکز باعث شکل‌گیری روابط و علائق اجتماعی و انسانی می‌شود، پس در ساماندهی‌های شهری به جنبه‌های جمعیتی و اقتصادی توجه می‌کند و در برقراری نظم و ساماندهی به جامعیت، قابلیت انعطاف، ریتم (نواخت)، توانایی سنجش و اندازه‌گیری توجه می‌کند. او حضور افراد را زمینه‌ساز برقراری انواع کنش‌های متقابل دانسته که برای رفع

نیازمندی‌های اجتماعی، عاطفی انسان‌ها آنها را مؤثر می‌داند. از نظر او شهر یک پیکره اجتماعی متشکل از واحدهای زنده می‌باشد. او خواهان توقف تفکیک عملکردها در طراحی شهری است و اهمیت زیادی برای خیابان‌ها از جهت بار اجتماعی - فرهنگی و عاطفی قائل است و معتقد است با فراهم آوردن عرصه‌های بالقوه‌ای از امکان برقراری روابط متقابل اجتماعی و گستره‌ای از رفتارهای گوناگون می‌توان به مراکز شهری معنا بخشید. مسلم است که این معنابخشی به مراکز شهری، به هویت شهری کمک خواهد نمود. زیمل در نظریه «بزرگ شهر و حیات ذهنی» به یکی از مهم‌ترین حقایق و ویژگی‌های دوران مدرن یعنی آثار منفی شهرهای بزرگ بر حیات فکری (خصوصاً بعد عاطفی آن) اشاره می‌کند و قبل از دیگران خطرهای ناشی از خودبیگانگی عاطفی را بر می‌شمرد؛ پس ضروری است که برنامه‌ریزان شهری با تدابیر جامعه‌شناختی و روان‌شناختی، اصول بنیادین نظام اجتماعی - فضایی شهر را مخصوصاً در رابطه با طراحی و ساخت شهر به سمتی سوق دهند که سبب رشد عاطفی شهروندان شود. آنچه که در صفحات قبل آمد نظریاتی بود که اندیشمندان مختلف این حوزه طرح نموده بودند، در این بخش پژوهش با استفاده از اهداف انتخاب شده و انتخاب فرضیه به نظریاتی که از آن استفاده شده پرداخته می‌شود.

شهرهای جدید در پاسخ به نیازی کارکردی شکل گرفته‌اند و این نیازها در سطوح ملی یا منطقه‌ای، فردی یا اجتماعی و سازمانی یا دولتی بوده است (ربانی، ۱۳۸۷: ۱۸۳) بنابراین، با استفاده از نظریات وبر و دورکیم، شهر شرط اساسی بالندگی خود را از نیروهای اقتصادی و اجتماعی به دست می‌آورد و بنیان مادی این توسعه خود شهر می‌باشد. این بالندگی به هم‌بستگی و داشتن حقوق و اخلاق نیز منجر می‌شود.

از آنجا که زیمل با نظریه «حیات ذهنی خویش» از اصول طراحی و ساخت شهرها سخن می‌گوید، در شهرهای جدید می‌توان موجبات رشد عاطفی شهروندان را با نوع ساخت و سازها و کنترل محدوده شهر و جمعیت شهر فراهم کرد. مراکز فعال و پویا از مهم‌ترین عناصر جدید شهر به شمار می‌روند و این امر در پرتو برنامه‌ریزی صحیح امکان‌پذیر است. این نظر مربوط به جیکوبز است که تمرکز را عامل شکل‌گیری روابط و علائق اجتماعی و انسانی می‌داند. وی حضور افراد را زمینه‌ساز برقراری کنش‌های متقابل می‌داند که در جهت رفع نیازمندی‌های اجتماعی و عاطفی انسان‌ها مؤثر است. نویسندگان مقاله با این دیدگاه کوئین لینچ که هویت شهر در گرو راه‌ها و شبکه ارتباطی و محله‌ها و... می‌باشد، موافق بوده و معتقدند که در شهر جدید پردیس به‌راحتی

می‌توان مسیر توسعه‌یافتگی شهر را در شبکه راه‌های آن و سیستم حمل و نقل مشاهده نمود و در مشاهده میدانی خود، مترو و بزرگراه را عامل هویت‌بخش مهمی ارزیابی کرده‌اند. از آنجا که فضا عامل مهمی در جامعه‌شناسی بوده و فضای یک شهر ارتباط مستقیم با روابط اجتماعی و نوع دستاوردهای اجتماعی هر منطقه دارد؛ مطابق با آنچه در مباحث نظری گفته شد می‌توان به این جمع‌بندی رسید که یکی از وظایف و سیاست‌های هر شهر، شکل دادن به فضای شهر در جهت به‌دست آوردن هویت آن شهر می‌باشد.

از آنجا که هر شهر دارای دو بعد کارکردی و کالبدی است، ابعاد مختلف هویت وابسته به آن نیز دارای دو وجه مذکور خواهد بود. بنابراین در یک تقسیم‌بندی کلی ابعاد هویت شهری را می‌توان به شرح ذیل برشمرد:

۶-۱. عناصر کالبدی یا سیمای شهری

بدیهی است برخورد با هر شیء، پدیده یا موجودی، سیما و کالبد ظاهری آن است؛ وجهه‌ای قابل ادراک که با حواس پنجگانه به راحتی قابل تشخیص و بازشناسی است. بنابراین، اولین تفاوت میان دو موجود عینی نیز از طریق ظاهر آن معین می‌گردد. با این توضیح اگر در تعریفی اولیه، شهر را مجموعه‌ای از ساختمان‌ها، عناصر و مراکز شهری بدانیم، بی‌شک باید ظاهری برای آن تصور کنیم که در صورت هویت‌دار بودن یا ساخته شدن و هر فعل دیگری بتواند منحصر به خود باشد. مهم‌ترین عناصر کالبدی طاسیمای شهری یک شهر به شرح ذیل می‌باشد:

۶-۱-۱. عناصر طبیعی و بستر مکانی

نمود ظاهری یک شهر در نگاه نخست می‌تواند شامل عناصر طبیعی و بستر مکانی آن باشد که اغلب به عنوان عناصر و میراث طبیعی در نظر عامه مردم خودنمایی می‌کنند. زاینده رود اصفهان و عون بن علی تبریز نمونه‌هایی از عناصر هویت‌بخش شهرهای مذکور هستند که امروزه برخی از آنها به دلیل عدم توجهات بصری (آنچه به رنگ‌های متنوع و معماری قابل ملاحظه و دیده می‌شود) و شتاب‌زدگی طرح‌های توسعه کم‌رنگ‌تر شده‌اند. ساختار طبیعی یک منطقه به عنوان نخستین بستر فعالیت‌های اولیه تلقی می‌شود. تمامی معماران، طراحان و برنامه‌ریزان در وهله اول با ساختار طبیعی شهر آشنایی دارند، اما در اغلب موارد برداشتی غیرکارکردی از آنها به عمل می‌آید. مثالی ساده از این برداشت آنکه ارائه طرحی برای منطقه‌ای کوهستانی با اقلیمی سرد و فاقد پوشش گیاهی خاص، چندان متفاوت از منطقه‌ای ساحلی منظور نمی‌شود و یا آنکه در اغلب موارد، ابعاد توپوگرافیک و عوارض زمین جایگاهی در طراحی ندارند؟!

با این مقدمه باید اذعان نمود که شناخت عناصر محیطی به‌عنوان بستر فعالیت‌های انسانی می‌تواند به درک و تحلیل بهتر اشکال مختلف زندگی و فعالیت‌های انسانی بینجامد. بنابراین مؤلفه‌های طبیعی، اکولوژیکی و جغرافیایی اولین عناصر هویت‌بخش به یک شهر و عناصر درون آن تلقی می‌شوند. این مؤلفه‌ها می‌توانند شامل رودها و نوار ساحلی، ویژگی‌های اقلیمی (شامل: بارش، دما، رطوبت، باد و غیره)، منابع آب‌های سطحی و زیرزمینی، ساختار زمین‌شناختی و توپوگرافیک، پوشش گیاهی و جانوری، منابع و سایر جاذبه‌های طبیعی باشند.

۲-۱-۶. عناصر مصنوع یا ساخته شده

شکل و ساختار ظاهری یک شهر علاوه بر ساختار طبیعی، توسط عناصر مصنوع به دست انسان شکل می‌گیرد. هویت کالبدی، آن عامل غالب هویتی است که بافت، ساختار و شکل شهر به آن هویت وابسته است. از دیدگاه کوئین لینچ عناصر هویت‌بخشی شهر عبارتند از: راهها و شبکه‌های ارتباطی، لبه‌ها، محله‌ها، گره‌ها و نشانه‌ها (پاپلی و رجبی، ۱۳۸۲: ۹۸-۹۶) به تعبیر دیگر، بافت کالبدی و ساختار مکانی شهرها یکی از مهم‌ترین ابعاد هویتی شهرها را شکل می‌دهد. از طرفی همین محیط مصنوع است که به‌عنوان آیینه‌ای تمام‌نما از تاریخ و رویدادهای آن مطرح می‌گردد. از این روی وجه حاضر از شهر مهم‌ترین وجه تمایز میان شهرهای نو و کهن تلقی شده و در طراحی یا توسعه یک شهر می‌بایست مدنظر قرار گیرد. از نگاهی دیگر بافت کالبدی را می‌توان به دو گروه عناصر کهن (که معمولاً به‌عنوان بافت تاریخی مطرح می‌گردد) و عناصر جدید طبقه‌بندی کرد.

هرکدام از این عناصر نیز بر اساس عملکرد خود می‌توانند به عناصر عرصه‌های عمومی و باز شهری و فضاهای کارکردی و به‌عبارتی بسته شهری (فضاهای مسکونی، خدماتی، تجاری و...) تفکیک شوند که از این میان نماهای شهری و فضاهای شهری بر اساس ویژگی‌های کالبدی و نقش کارکردی ویژه خود به‌عنوان اولین رکن هویت‌بخش این بخش از عناصر شهرهای امروزی مطرح می‌گردند.

۲-۶. عناصر کارکردی یا محتوای شهری

با قبول شهر به‌عنوان موجودی زنده، دیگر نمی‌توان تنها به بُعد ظاهری آن نگریست. حال اگر بُعد محتوایی یک شهر را منبعث از ابعاد هویتی انسان‌های آن بدانیم، می‌توانیم شاخصه‌های محتوایی یا کارکردی هویت شهر را به‌صورت زیر طبقه‌بندی نماییم:

۶-۲-۱. عناصر اجتماعی (سیاسی و فرهنگی) شهر

این عناصر که اغلب با عنوان جغرافیای انسانی شناخته می‌شوند شامل جمعیت (کمی و کیفی) و فرهنگ شهر یا شهروندان (زبان، هنر، پوشش و...) می‌گردند؛ بنابراین در این بُعد انسان به عنوان محور اصلی تلقی می‌شود. (عباس‌زاده، سایت مدیریت توسعه و پژوهش) علوم، فنون، مهارت‌ها، اندیشه‌ها و تجارب باارزش و سودمندی که از دیگران یا از گذشته اخذ می‌کنیم و یا به دست می‌آوریم، در تحلیل نهایی در این بُعد از هویت قرار خواهند گرفت؛ همان‌گونه که خط، لباس، روش‌های تولید، آداب، رسوم و عقاید، جشن‌ها، اعیاد و بسیاری از چیزهای دیگر که از مؤلفه‌های ملی و عناصر هویت و متعلقات فرهنگی خویش می‌دانیم نیز در درون این عناصر قرار می‌گیرند. بر این اساس توجه به هویت اجتماعی (فرهنگی - سیاسی) در راستای شناخت هویت واقعی شهری گریزناپذیر است.

۶-۲-۲. عناصر اقتصادی شهر

آخرین بُعد از ابعاد هویت‌بخش در فضاهاى شهری، فعالیت‌هایی است که توسط ساکنان آن از گذشته تا به امروز پایه‌های اقتصاد شهری را تشکیل می‌دهند. این فعالیت‌ها را می‌توان در قالب عناصر اقتصادی مطرح نمود. برخی از این فعالیت‌ها که به‌طور ویژه در مکان‌ها و یا شهرهای خاصی وجود دارند و به یک مکان ویژه جغرافیایی اختصاص دارند، به‌عنوان یکی از مهم‌ترین ارکان هویتی شهر یا مکان خودنمایی می‌کنند که از آن میان می‌توان به فعالیت‌های گردشگری، صنایع دستی و فعالیت‌های ویژه و یا بومی موجود در هر مکان یا شهر اشاره نمود (عباس‌زاده، سایت مدیریت توسعه و پژوهش).

۷. یافته‌های پژوهش

در این قسمت به منظور پاسخ به سؤالات پژوهش، در ابتدا اشاره‌ای به بخش توصیفی داده‌ها می‌شود و سپس با بهره‌گیری از آزمون F و در نهایت با استفاده از تحلیل رگرسیون و مدل‌سازی، به تشخیص عوامل مؤثر بر هویت اجتماعی شهری و میزان و نحوه تأثیرگذاری آنها پرداخته می‌شود. بیشترین جمعیت پاسخگو در فاز چهار شهر جدید (۳۲ درصد) و کمترین آنها در فاز سوم (بیش از ۱۵ درصد) سکونت داشته‌اند (مطابق با افق جمعیت می‌باشد، اطلاع‌رسانی شرکت عمران شهرهای جدید، ۱۳۸۵: ۳۳). از کل پاسخ‌دهندگان پرسشنامه، حدود ۵۰ درصد فارس، بیش از ۳۰ درصد آذری و ۲/۶ درصد کرد بوده‌اند. هم‌چنین حدود ۵۵ درصد از کل پاسخگویان مرد و بقیه زن

بوده‌اند. بیش از ۳۰ درصد پاسخگویان شغل خود را کارمند دولتی، حدود ۳۰ درصد بیکار و ۱۹ درصد شغل خود را شرکت خصوصی اعلام کرده‌اند. حدود ۵۵ درصد، نوع منزل مسکونی خود را آپارتمان شخصی و حدود ۲۷ درصد آپارتمان اجاره‌ای و حدود ۱۸ درصد ویلای شخصی ذکر کرده‌اند. همچنین حدود ۶۰ درصد از پاسخگویان سابقه سکونت خود را بین ۱ تا ۳ سال، ۱۹ درصد آنها بین ۴ تا ۵ سال اعلام کرده‌اند و درصد کمی از افراد سابقه سکونت بالای ۶ سال داشته‌اند. حدود ۴۲ درصد تحصیلات خود را دبیرستان و دیپلم، ۲۰ درصد فوق دیپلم، ۲۲ درصد لیسانس و بالاتر و بیش از ۲ درصد حوزوی اعلام کرده‌اند و بالاخره اینکه بیش از ۸۰ درصد افراد مورد پژوهش متأهل و حدود ۲۰ درصد آنها مجرد بوده‌اند.

۷-۱. آزمون F (تجزیه واریانس)

به منظور مقایسه میزان هویت اجتماعی شهری بر حسب نوع منزل مسکونی، از آزمون آنالیز واریانس استفاده شد که نتایج زیر را در بر داشت.

جدول شماره ۲: مقایسه میانگین‌های هویت اجتماعی شهری بر حسب نوع منزل مسکونی

هویت اجتماعی شهری							متغیر	
Sig.	F	میانگین مجذورات	درجه آزادی	مجموع مجذورات	منبع واریانس	میانگین	تعداد	
۰/۰۰۱	۵/۵۶۱	۳۳۷/۶۱۷	۳	۱۰۱۲/۸۵۱	بین گروه‌ها	۶۲/۸۹	۶۸	ویلایی شخصی
						۵۸/۵۶	۲۱۲	آپارتمان شخصی
	۶۰/۷۰۸		۳۸۰	۲۳۰۶۹/۰۲۲	درون گروه‌ها	۵۹/۳۳	۱۰۲	آپارتمان اجاره‌ای
	۳۸۳			۲۴۰۸۱/۸۷۲	کل	۵۵/۰۰	۲	ویلای اجاره‌ای
						۵۸/۹۴	۳۸۴	کل

متغیر مستقل به‌عنوان یک متغیر اسمی دارای ابعاد (ویلایی شخصی، آپارتمان شخصی، آپارتمان اجاره‌ای، ویلای اجاره‌ای) می‌باشد و متغیر وابسته ترکیبی از گویه‌های مختلف بر اساس طیف لیکرت طراحی شده است که تجمیع نمرات آنها نشانگر میزان هویت اجتماعی شهری است. همان‌گونه که ملاحظه می‌شود با توجه به اینکه سطح معناداری کمتر از ۰/۰۵ و مقدار F برابر با ۵/۵۶۱ به‌دست آمده است، لذا می‌توان با اطمینان بالایی گفت که نتایج آزمون فوق نشان‌دهنده تفاوت معناداری

می‌باشد و به عبارت دیگر میزان هویت اجتماعی شهری در بین افراد مورد مطالعه بر حسب منزل مسکونی متفاوت است؛ این میزان برای افرادی که دارای منزل ویلایی شخصی بوده‌اند، برابر با ۶۲/۸۹ و برای افرادی که منزل مسکونی ویلایی اجاره‌ای داشته‌اند برابر با ۵۹/۵۱ می‌باشد. مراجعه به نتایج پس‌آزمون^۱ همین امر را نشان می‌دهد و در واقع بیشترین اختلاف میانگین میزان هویت شهری مربوط به افراد دارای منزل ویلایی شخصی با افراد دارای منزل ویلایی اجاره‌ای است. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت منزل مسکونی شخصی اثر بالایی در کاهش و افزایش هویت اجتماعی شهری دارد و به نوعی یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های تشکیل‌دهنده هویت اجتماعی شهری، داشتن منزل مسکونی شخصی است.

برای مقایسه میزان هویت اجتماعی شهری بر حسب قومیت پاسخگویان، از آزمون آنالیز واریانس استفاده شد که نتایج زیر را در بر داشت:

جدول شماره ۳: مقایسه میانگین‌های هویت اجتماعی شهری بر حسب قومیت

هویت اجتماعی شهری							متغیر	
Sig.	F	میانگین مجذورات	درجه آزادی	مجموع مجذورات	منبع واریانس	میانگین	تعداد	
۰/۰۰۹	۳/۴۲۳	۲۰۹/۹۳۰	۴	۸۳۹/۷۲۰	بین گروه‌ها	۵۸/۳۰	۱۰	کرد
						۵۸/۸۳	۱۱۸	آذری
						۵۸/۷۲	۴۷	لر
۶۱/۳۲۵			۳۷۹	۲۳۲۴۲/۱۵۲	درون گروه‌ها	۶۰/۸۵	۱۸۰	فارس
						۵۵/۷۲	۲۹	سایر اقوام
		۳۸۳		۲۴۰۸۱/۸۷۲	کل	۵۹/۵۱	۳۸۴	کل

در این مقاله متغیر قومیت شامل کرد، آذری، لر، فارس، سایر اقوام می‌شود که در ارتباط با میزان هویت اجتماعی شهری قرار داده شده است. با توجه به اینکه سطح معناداری کمتر از ۰/۰۵ به دست آمده است، لذا نتایج آزمون فوق تفاوت معناداری را نشان می‌دهند. به عبارت دیگر میزان هویت اجتماعی شهری در بین افراد مورد مطالعه بر حسب قومیت آنها متفاوت است و مراجعه به نتایج پس‌آزمون نشان می‌دهد که بیشترین میزان آن مربوط به فارس‌ها می‌باشد (برابر با ۶۰/۸۵) که بیشترین اختلاف

1. post hoc

میانگین را با سایر اقوام دارد (برابر با ۵۵/۷۲)؛ علاوه بر آن برای سایر اقوام میزان هویت مشابهی به دست آمده است. بنابراین میزان هویت اجتماعی شهر جدید پردیس بر اساس قومیت افراد متفاوت است. به عبارت دیگر قومیت یک فرد که در شهر جدید پردیس زندگی می‌کند، به عنوان یک عامل اجتماعی و فرهنگی بر روی هویت اجتماعی آن شهروند تأثیر می‌گذارد.

هم‌چنین نویسندگان در پی پاسخ به این سؤال بودند که آیا بین میزان تحصیلات شهروندان و هویت اجتماعی شهر جدید پردیس رابطه وجود دارد یا خیر؟ برای این منظور از آزمون آنالیز واریانس استفاده شد که نتایج زیر را در بر داشت:

جدول شماره ۴: مقایسه میانگین‌های هویت اجتماعی شهری بر حسب تحصیلات

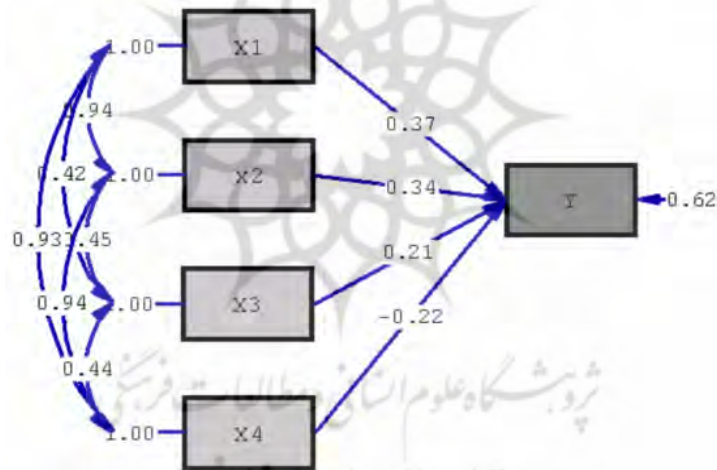
هویت اجتماعی شهری							متغیر	
Sig.	F	میانگین مجدورات	درجه آزادی	مجموع مجدورات	منبع واریانس	میانگین		
۰/۰۰۱	۴/۰۱۱	۲۴۰/۸۳۲	۶	۱۴۴۴/۹۹۲	ز. گروه‌ها	۵۰/۰۰	۳	بی سواد
						۵۶/۵۲	۲۱	ابتدائی
						۵۹/۷۶	۲۵	راهنمایی
						۵۸/۷۳	۱۶۱	دیپلم و دیپلم
						۶۲/۷۳	۷۸	فوق دیپلم
۶۰/۰۴۵		۳۷۷	۲۲۶۳۶/۸۸۱	درزن گروه‌ها	۵۸/۸۳	۸۶	فوق لیسانس و بالاتر	
					۶۱/۵۰	۱۰	حوزوی	
۳۸۳				کل	کل	۵۹/۵۱	۳۸۴	کل

تحصیلات به عنوان یکی از متغیرهای ساختاری در شهر از اهمیت بالایی برخوردار است و به همین علت، در رابطه با میزان هویت شهری مورد بررسی قرار گرفته است. این متغیر مستقل دارای هفت بُعد می‌باشد. نتایج آزمون تحلیل واریانس نشان می‌دهد که میزان هویت اجتماعی شهر جدید پردیس بر حسب تحصیلات افراد متفاوت است. بیشترین میزان هویت اجتماعی مربوط به افراد با تحصیلات حوزوی و سپس افراد با تحصیلات فوق دیپلم می‌باشد و نوعی آشفتگی در بین بقیه مقاطع تحصیلی حاکم است. مراجعه به نتایج پس آزمون نشان می‌دهد که افرادی که تحصیلات آنها فوق دیپلم و حوزوی است، بیشترین اختلاف میانگین را با گروه تحصیلی افراد بی سواد دارند. این

نتایج نشانگر اهمیت مؤلفه سواد در شکل‌گیری هویت شهری است و ادامه زندگی در شهرهای جدید بدون داشتن سواد و تحصیلات، مشکل خواهد بود.

۲-۷. آزمون مدل نظری تحقیق

نظر به اینکه مدل نظری، بینشی جامع به محقق می‌دهد و می‌توان از طریق آن روابط علی متغیرهای درگیر در هویت شهری را مورد مطالعه دقیق‌تر قرار داد، لذا پس از تدوین مبانی نظری مدلی طراحی شد و به منظور آزمون مدل نظری تحقیق از نرم‌افزار مربوط به معادلات ساختاری استفاده شد. متأسفانه در اکثر تحقیقات علوم اجتماعی روابط تک‌متغیره مد نظر است و این امر سبب می‌شود تا پژوهشگر نتواند بینش وسیع‌تری در خصوص تحلیل عوامل مؤثر بر موضوع پیدا کند. نویسندگان مقاله ضمن توجه به این موضوع، در هنگام تدوین مقاله تلاش نمودند تا علاوه بر روابط دو متغیره به روابط چند متغیره در قالب مدل رگرسیونی بپردازند. بنابراین، در ابتدا متغیرهای مورد نظر در نرم‌افزار spss تعیین شدند و در ادامه از طریق نرم‌افزار Lisrel در بخش Prelis به صورت داده‌های مختص نرم‌افزار لیزرل قرار داده شدند، سپس از طریق Simplis و در نهایت لیزرل به طراحی مدل رگرسیونی پرداخته شد. این مدل نشانگر روابط متغیرهای مستقل با متغیر وابسته و هم‌چنین روابط متغیرهای مستقل با یکدیگر می‌باشد. مدل‌های رگرسیونی معمولاً یک متغیر وابسته دارند و تنها روابط مستقیم را نشان می‌دهند. آماره متناظر، اثر متغیرهای مستقل بر وابسته را گاما و آماره متناظر روابط متغیرهای مستقل را فی می‌تشکیل می‌دهند. همان‌طور که مقادیر موجود در مدل نشان می‌دهد:



با توجه به نتایج حاصل از آزمون مدل می‌توان گفت که متغیر X1 (خدمات و فعالیت‌های تولیدی) بیشترین تأثیر را بر روی میزان هویت اجتماعی شهر جدید پرديس داشته است. پس از آن، متغیر X2 (فضای اجتماعی، فرهنگی و جغرافیایی)، متغیر X4 (امنیت عاطفی و روانی شهروندان) و متغیر X3 (وجود راه‌های ارتباطی) به ترتیب بیشترین تأثیر را بر متغیر وابسته داشته‌اند. نکته مهم‌تر اینکه عدد $0/62$ در سمت راست متغیر وابسته، نشان‌دهنده ضریب عدم تعیین است که مشهور به ψ بوده و اگر این عدد را از ۱ کم کنیم ضریب تعیین مدل به دست می‌آید ($0/38 = 1 - 0/62$)، یعنی ۳۸ درصد از متغیر وابسته یعنی هویت اجتماعی شهر جدید توسط این مدل تبیین شده است و این نشانگر برازش خوب مدل می‌باشد. هم‌چنین، می‌توان با تکیه بر نتایج آن مدعی شد که عوامل مطرح شده در مدل نظری بیش از ۳۸ درصد از متغیر هویت اجتماعی را مورد تبیین قرار داده‌اند و بر این مبنا می‌توان به برنامه‌ریزی پرداخت. در این رویکرد شاخص‌های متعددی از جمله χ^2 دو و $Rmsea$ برای برازش مدل وجود دارد، که در مدل‌های رگرسیونی مقادیری به آنها تعلق نمی‌گیرد. (برخلاف مدل‌های ساختاری که $Rmses$ مهم هستند در مدل‌های رگرسیونی با این که اجرا می‌شوند اما هیچ نمونه‌ای به χ^2 دو و $Rmses$ تعلق نمی‌گیرد ذات و ویژگی مدل رگرسیونی این است که احتمال خطای وابسته را تشخیص نمی‌دهد).

۸. نتیجه‌گیری

هویت چیزی است که ما با آن زندگی می‌کنیم، شخصیت ما با آن عجین است و برای تکمیل شخصیت ما هویت اجتماعی در شهرها لازم است. از طرف دیگر شهر هم‌چون انسانی است که دارای حافظه، خاطره، حس و حال، هنجار و رفتار است و حتی می‌تواند نفس بکشد. پرديس و هر شهر دیگری به شهروندان خود هویت می‌دهد یا حتی می‌تواند هویت آنها را بگیرد. وقتی از شهر پرديس سخن می‌گوییم از تعاملات انسانی خبر می‌دهیم، تعاملات انسان با انسان، انسان با محیط و انسان با شهر. از این رو نویسندگان این مقاله تلاش کردند تا رابطه انسان‌ها در شهر را ارزیابی کنند و مشخص شد ساکنان با همسایگان رابطه خوبی دارند. ۴۱٪ آنها بیان می‌دارند که در این شهر اشتراکات فرهنگی پیدا کرده‌اند و ۵۰٪ آنها به آداب و رسوم هم احترام می‌گذارند؛ اما نکته قابل توجه آن است که نتایج نشان می‌دهد ۴۰٪ ساکنان به این شهر احساس تعلق نمی‌کنند و تعداد قابل توجهی از افراد احساس بیگانگی و تنهایی می‌کنند.

در این مقاله در فرض ۱ و ۲ و ۴ به این مطلب پرداخته شد تا بتوان حتی مزه شهر را از نظر شهروندان درک کرد. نتایج نشان داد که ۵۰٪ ساکنان نام‌گذاری خیابان‌ها و میادین را مناسب ارزیابی می‌کنند، آلودگی هوای این شهر را در حد بسیار کم دانسته و ۴۶٪ افراد معتقدند که بیمارستان و اورژانس در این شهر خیلی کم است. از طرفی امنیت در این شهر با گویه‌های متعدد ارزیابی شد که حدود ۳۳٪ ساکنان حاضر نیستند سرمایه خود را به فرد دیگری بدهند، ۳۱٪ پول نقد با خود حمل نمی‌کنند و ۳۹٪ تا حدودی اشتغال زنان را در بخش خصوصی جایز می‌دانند.

در فرض ۳ ما از شبکه راه‌های ارتباطی شهر سخن گفتیم. لینچ با دقت در اینکه شبکه‌های جهت‌یابی آدمیان بسته به فرهنگ‌ها، مناظر و محیط‌های مختلف با هم تفاوت بسیار دارد، می‌گوید همه این روش‌ها با وجود تفاوت میان آنها و همه اشارات و علائم بسیار و تمام ناشدنی که به نظر برای شناخت باید موجود باشد، چراغ‌هایی فرا راه آدمیان می‌افروزد که موقعیت و جهت پیشرفت را در شهر خود بشناسند (کربلایی و نوری، ۱۳۸۴: ۱۳۱) اکثر افراد نمونه آماری اذعان کرده‌اند که مترو و بزرگراه حتماً در توسعه شهر مؤثر خواهد بود، اما راه‌های ارتباطی داخل شهر را خیلی مناسب ارزیابی نکرده‌اند (گفتگوهای میدانی نشان داد که بسیاری از افراد از تغییر نقشه راه‌های داخل شهر، کابل‌کشی‌ها و حتی پیاده‌روها سخن می‌گویند).

مکان شهر پردیس از نظر ۳۴٪ پاسخ‌دهندگان مناسب ارزیابی شده است. نتایج نشان می‌دهد کارکرد مهم شهر پردیس که همانا سرریزپذیری جمعیت شهر تهران می‌باشد، به خوبی انجام شده است زیرا ۷۹٪ پاسخ‌دهندگان از تهران به این شهر آمده‌اند، حدود ۵۰٪ شاغلان شهر را کارمندان تشکیل داده‌اند که با متوسط حقوق ۶۰۰ هزار تومان در اینجا ساکنند. اما باید توجه داشت که نباید شهرهای جدید هویت حاشیه‌نشینی به خود گیرند که در این صورت عوارض فراوانی خواهد داشت. در شهرهای جدید باید زمینه ایجاد علائق اجتماعی نظیر شورای شهر محل، کتابخانه، مسجد، فرهنگسرا، فضای سبز و مکان‌هایی که زمینه‌ساز همبستگی‌های اجتماعی هستند، فراهم کرد؛ زیرا آنچه هویت را تهدید می‌کند ذره‌ای شدن افراد و گسست اجتماعی است. استفاده بهینه از امکانات و البته دسترسی به آنها می‌تواند به تداوم و انتقال ارزش‌های اجتماعی یک جامعه یاری رساند و هم‌مبیین وفاق و تقویت‌کننده آن باشد. این امور می‌تواند به حفظ الگویی که توسط نظام فرهنگی جامعه طراحی می‌شود، یاری رساند و از این طریق به کاستن تنش‌ها و تقویت حس تعلق اجتماعی در نزد شهروندان منجر شود و حتی پارسونز نیز

در پی توضیح میزان اثرگذاری امکانات تفریحی و رفاهی به‌عنوان یک نهاد اجتماعی در سازگاری فرهنگی و اجتماعی بود (اشرف‌الکتابی، ۱۳۷۹: ۱۸۶). نتایج نشان می‌دهد که شهروندان از نداشتن مراکز خرید مناسب در شهر ابراز نارضایتی کرده، پایگاه ورزشی و بیمارستان را در حد خیلی کم دانسته، از امکانات فرهنگی، تفریحی و تغذیه‌ای شهر ابراز رضایت نکرده‌اند و نزدیک به نیمی از پاسخ‌دهندگان اعلام کرده‌اند که با وجود امکانات ورزشی، فرهنگی، تفریحی و تغذیه‌ای احساس تعلقشان به شهر پردیس تقویت خواهد شد. نکته مهم دیگر آنکه شهرهای جدید الگوی جدید هم‌بستگی را می‌طلبند. برای مثال اگر در شهرهای قدیمی پخت و پز و نذورات در کوچه‌ها عامل هم‌بستگی زنان و دختران است، این الگو در شهرهای جدید به‌سختی شکل خواهد گرفت و باید الگویی مناسب آن تعریف کرد. البته می‌توان اقرار کرد که با وجود هم‌بستگی‌های شهری می‌توان احساس تعلق مردم به شهرها و مشارکت‌های شهری را افزایش داد. ۲۵٪ از شهروندان در پاسخ این سؤال که «آیا به شهر احساس تعلق می‌کنند یا خیر؟» پاسخ مثبت داده‌اند و این جای نگرانی است. البته هویت چیزی نیست که در زمان محدود به‌وجود آید. عمر شهر پردیس به بیشتر از بیست سال نمی‌رسد و دو برابر این زمان لازم است تا به آستانه پیش‌بینی جمعیت برسد. با این حال بعید به نظر می‌رسد که در این ۲۰ الی ۳۰ سال هویت مفهوم پیدا کند (عزیزی، ۱۳۸۴: ۵۲).

طبق نظرسنجی‌های به‌عمل آمده، ۳۰٪ از ساکنان در انتخابات شورای شهر پردیس شرکت می‌کنند و ۴۰٪ مایلند در انجمن‌های داوطلبانه (خیریه، صنفی، علمی، حزبی) شرکت کنند. متأسفانه در زمان حاضر یکی از مشکلات عمده شهرهای جدید این است که حس مالکیت نسبت به محیط شهری در شهروندان آن ایجاد نشده است. به همین دلیل شهروند حاضر نیست در هزینه‌های عمومی مشارکت کند، درحالی‌که وقتی به محیطی احساس تعلق کند خود به خود و داوطلبانه در بسیاری از هزینه‌ها شرکت می‌کند. تعداد زیادی از شهروندان اعلام کرده‌اند که خیلی کم مجسمه‌ها و نمادهای شهر موجب افتخار آنهاست. بزرگان ادبیات، علوم، نقاشی و شهرسازی نمادهای یک کشورند و مجسمه‌های آنها حتی باید جلوی در مدارس و در مسیر حرکت دانش آموزان قرار بگیرد تا هر روز برایشان شاخه گلی نثار کنند و تاریخ را به یادشان آورد. جالب آنکه در روم باستان تعداد مجسمه‌ها از تعداد افراد بیشتر بود (عزیزی، ۱۳۸۴: ۱۸۶). صاحب‌نظران این هویت را نوعی هویت محیطی ارزیابی می‌کنند، زیرا با نشانه‌هایی آشکار، بین گروه‌ها و جوامع هویت اجتماعی را القا می‌کند (راپوپورت، ۱۳۸۲: ۶۵).

در مجموع باید گفت شهرسازی تخصصی است که دربرگیرنده برنامه‌ریزی و طراحی شهری است. فنون شهرسازی نشان می‌دهد که شهر با مشخصات زیر خواهد توانست هویت را در درون شهروندان خود حفظ کند:

۱. در کاربری اراضی، اعم از مسکونی و غیر مسکونی تعادل برقرار باشد؛
 ۲. سیمای بناها و فضاهای عمومی تمام شده و مطلوب باشد؛
 ۳. میزان تأسیسات و تجهیزات شهر کافی بوده و حریم آن مشخص باشد؛
 ۴. ایمنی و محیط زیست شهری تأمین باشد (اوستروفسکی، ۱۳۷۱: ۲۰).
- مطابق با نتایج، در این مقاله به مسئولان پیشنهاد می‌کند تا برای ارتقاء هویت اجتماعی ساکنان پردیس به نکات ذیل توجه شود:
- شهر پردیس به مکان‌هایی نیاز دارد تا برای ساکنان شهر خاطره درست کند؛ مکان‌هایی که حوادث اجتماعی در آن اتفاق افتد و نظارت‌های اجتماعی را به وجود آورد تا رفتارهای اجتماعی نیز کنترل گردد.
 - تجهیزات شهر در تمامی زمینه‌ها مخصوصاً در زمینه‌هایی که با سلامتی افراد و امنیت شهروندان ارتباط دارد، ارتقاء یابد.
 - شهروندان در امور جاری و انتخاب نمایندگان هر محله مشارکت داده شوند.
 - به نیازهای اساسی شهروندان از جمله آموزش، اوقات فراغت و اشتغال پاسخ مناسب داده شود.
 - فضای سبز و بوستان در شهر ایجاد شود (هر چند مسئولان شهر کمبود آب را مشکل جدی شهر عنوان کرده‌اند).
 - اوقات فراغت افراد با استفاده از برنامه‌های فرهنگی، اجتماعی و تفریحی مناسب پر شود تا احساس بیگانگی آنها با تفریح مفید کمتر گردد.

یادداشت

۱- دارای مساحتی حدود ۱۱۰ کیلومترمربع که از غرب با حریم شهر تهران هم مرز بوده و منطبق بر مسیر رودخانه جاجرود می‌باشد. از شمال منطبق بر مرز حوزه شهرستان شمیرانات بوده و با قله‌های موجود و حوزه‌های آبریز که به سمت بستر شهر جهت گرفته‌اند، مشخص شده است. این شهر از شرق به محدوده قانونی شهر بومهن، روستای کرشت و رودخانه آب انجیرک محدود شده و از جنوب از منطقه میانک، تنگه کبود به سمت رودخانه جاجرود در جنوب روستای سعیدآباد امتداد یافته است. درون این محدوده روستاهای خسروآباد - جاجرود - سعیدآباد - شمس‌آباد - کمرد - سنگ لشکری - سیاهسنگ - باغکمش - اصطک - واصفجان و گلدره قرار دارند. پست‌ترین نقطه حریم شهر بستر رودخانه جاجرود در جنوب سعیدآباد به ارتفاع ۱۴۰۰ متر و بلندترین نقطه در شمال غربی شهر، کوه آرا به ارتفاع ۲۵۰۰ متر است.

منابع

- اذنی، مه‌ری و نیلی احمدآبادی، سمیه (۱۳۸۸)؛ «تأثیرگذاری شهرهای جدید پیوسته در ساماندهی مادر شهر اصفهان»، *فضای جغرافیایی*، دوره اول، ش ۴، صص ۳۸-۲۷.
- اوستروفسکی، واتسلاف (۱۳۷۱)؛ *شهرسازی معاصر*، ترجمه لادن اعتضادی، تهران: جهاد دانشگاهی.
- پاپلی‌یزدی، محمدحسین و رجیبی سناجردی، حسین (۱۳۸۲)؛ *نظریه‌های شهر و پیرامون*، تهران: سمت.
- پاکزاد، جهان‌شاه (۱۳۸۵)؛ *مبانی نظری و فرایند طراحی شهری*، تهران: دبیرخانه شورای عالی شهرسازی و معماری ایران
- تنهایی، ح. ا. (۱۳۸۳)؛ *درآمدی بر مکاتب و نظریه‌های جامعه‌شناسی*، مشهد: مرندیز.
- جناب، فیروز و جواد شهیدی، کوروش (۱۳۷۲)؛ *عوامل سازمان‌دهنده هویت شهری و تطبیق آن بر شهرهای جدیدی*، کنفرانس بین‌المللی توسعه شهری و شهرهای جدید، سازمان مسکن و شهرسازی، تهران: صص ۱۳۵-۱۲۰.
- جهانبخش هرنندی، محمد (۱۳۸۴)؛ *تولّد یک شهر*، اصفهان: گلبن.
- حجّت، عیسی (۱۳۸۲)؛ *هویت انسان‌ساز، انسان هویت‌پرداز*، (تأملی در رابطه هویت و معماری)، *مجله هنرهای زیبا*، تهران: ش ۲۴، صص ۷۷-۵۶.
- داوودپور، ز. (۱۳۸۵)؛ *کلان شهر تهران و سکونتگاه‌های خود روی*، تهران: وزارت مسکن و شهرسازی.
- دانش‌پور، سیدعبداله‌ادی (۱۳۷۹)؛ *بازشناسی مفهوم هویت در فضای عمومی شهری*، پایان‌نامه دکتری شهرسازی، دانشکده هنرهای زیبا، دانشگاه تهران.
- ربّانی، رسول و کجباف، محمدباقر (۱۳۸۶)؛ *روان‌شناسی اجتماعی*، اصفهان: دانشگاه اصفهان.
- ربّانی، رسول (۱۳۸۷)؛ *جامعه‌شناسی شهری*، اصفهان: دانشگاه اصفهان.
- شهرهای جدید (۱۳۸۳، ۱۳۸۴)؛ نشریه داخلی - تخصصی شرکت عمران شهرهای جدید، دور جدید، شماره‌های ۱، ۲، ۳ و ۴.
- عزیزی، محمد (۱۳۸۴)؛ *شهرهای جدید*، شرکت عمران شهرهای جدید، تهران: سازمان مسکن و شهرسازی، ش ۴، صص ۶۷-۵۰.

- علیخانی، علی اکبر (۱۳۸۶)؛ *مبانی نظری هویت و بحران هویت*، تهران: جهاد دانشگاهی.
- فکوهی، ناصر (۱۳۸۷)؛ «هویت و بی‌هویتی شهری»، *فصلنامه انسان‌شناسی*، تهران: ش ۴، صص ۲۶-۵۰.
- قره‌باغی، علی اصغر (۱۳۷۹)؛ «روایت هویت»، *مجله گلستانه*، تهران: ش ۱۶، صص ۲۷-۴۰.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۷۶)؛ *جامعه‌شناسی*، ترجمه منوچهر صبوری، تهران: نی.
- مجموعه مقالات ارائه شده در کنفرانس بین‌المللی توسعه شهری و شهرهای جدید، ۱۲-۱۴ مهر ۱۳۷۲، تهران: سازمان مسکن و شهرسازی.
- شهرهای جدید (۸۴-۱۳۸۳) نشریه داخلی - تخصصی شرکت عمران شهرهای جدید، دور جدید، تهران: ش ۱، ۲، ۳، ۴ سازمان مسکن و شهرسازی.
- Rapoport, A. (1982); "The Meaning of the Built Environment -a Non -Verbal Communication Approach" SAGE publications Inc.
- Meagher, Sharon M. (2007); *Philosophy and the City: Classic to Contemporary Writings*, New York: University of New York Press.

